

دوباره از هم جدا نشویم



نیوشا طبیبی گیلانی

روزنامه نگار

جامعه مهاجر ایرانی، جامعه‌ای چندپاره و اغلب دچار مرزبندی‌های شدید و تنش‌زا بود. اینکه از فعل گذشته استفاده کرده‌ام به این معنی نیست که حالا همه چیز گل و بلبل شده و دیگر نه مرزبندی، نه اختلافی هست. اوضاع فقط در این حد متفاوت شده که آن چنددستگی فعلاً به دو دسته بزرگ وطن‌خواهان و وطن‌فروشان تقسیم شده است؛ گروه وطن‌فروشان یعنی کسانی که راضی به کشته‌شدن هموطنان و حمله بیگانه اشغال‌گر کودک‌کش به میهن هستند و وطن‌خواهانی که به هیچ بهایی حاضر نیستند مویی از سر مردم ایران و ذره‌ای از خاک وطن کم شود. تعداد ایران‌خواهان با گرایش‌های مختلف که در علاقه و عشق به میهن با هم اتفاق نظر دارند، بسیار بیشتر از حامیان تجاوز و جنگ علیه ایران است. در تمام سال‌های مهاجرت شاهد بوده‌ام که این وطن‌خواهان -تاکید می‌کنم با گرایش‌های مختلف سیاسی- چطور از فرهنگ، تاریخ و ملیت ایرانی دفاع کرده‌اند. حتی اگر از نظام ناراضی بوده‌اند، اگر مخالف آن بوده‌اند -و احتمالاً هستند -توانایی تشخیص این نکته را دارند که اختلاف‌شان، موضوعی است که به درون خانه و خانواده ایرانی‌مان مربوط است و هیچ بیگانه‌ای اجازه ندارد خود را در آن داخل کند.

بسیاری از همین ناراضی‌ها، در انتخابات شرکت می‌کنند، آن را کنشی مدنی، رسمی و قانونی می‌دانند و در عین حال تلاش می‌کنند که اعتراض خود را نسبت به نظارت استصوابی و باقی امور بیان کنند. این‌ها شریف‌ترین و ایران‌خواه‌ترین دگراندیشان سیاسی هستند که به‌رغم اختلاف با قرائت‌های مطلوب حاکمیت در سبک زندگی و شیوه حکمرانی، باهم ایران و شرافت‌شان را نمی‌فروشند. دیدیم و دیدیم که همین ایرانی‌های مهاجر در اثنای جنگ چه جان‌فشانی‌هایی که نکردند. جنگ و تجمع‌ها تمام می‌شوند اما شرکت‌کنندگان در تجمعات شهرهایی مانند لندن، پاریس و لس‌آنجلس بدون تردید هزینه‌های سنگین روحی و روانی و حتی مادی‌ای متحمل خواهند شد. به آنها برچسب زده می‌شود، حتی عده‌ای آنها را تعقیب می‌کنند، آزارشان می‌دهند، به خودشان و خانواده‌های‌شان فحاشی می‌کنند محل‌کار و به‌لباب‌هایشان ایمیل می‌فرستند که فلانی جاسوس و پیوسته‌ستیز است و مانند این‌ها. همین ایرانیان شریف‌وطن خواه هستند که وقتی فردی در تلویزیون یاد توئیت‌بدون‌اندیشیدن به‌منافع‌ملی ایران صحبت از تور ترامپ یا زن بمب‌انتم به اسرائیل می‌کند، تلاش می‌کنند که به رسانه‌های غیرایرانی و مردم عادی و جامعه‌ای که در آن نفوذ دارند، توضیح دهند «این‌ها مقام رسمی نیستند فقط تندروانی هستند که آرزوهای خودشان را می‌گویند». عرض کردم که این جماعت از آن خواه تمام این سال‌ها به‌مثابه سفرای فرهنگی ایران در هر فرصت، محفل و مجلسی از ایران و ایرانیت تمام‌قد دفاع کرده‌اند و البته در این مصاف دائمی با افکار و عقایدی که از سمپاشی رسانه‌های ضدایرانی حاصل آمده، اغلب بسیار تنها و بی‌کس هستند.

سفرات‌ها و خانه‌های فرهنگی در کشورهای مختلف، به‌مثابه خانه‌های امن اتباع آن کشور هستند. قطعی‌ای از خاک وطن و افرادی که آماده هستند تا پناه دهند، دل جویی کنند و مشکلات را حل کنند. در بعضی از کشورهایی که ملیت‌های مختلف زیادی در آن زندگی می‌کنند مثل امارات متحده عربی، رسم است که سفارت‌ها و نمایندگی‌ها، باشگاه‌هایی هم برای دوره‌هم‌آمد فرهنگی و اجتماعی اتباع خودشان تأسیس کرده‌اند؛ باشگاه ایرانیان دویی یکی از آنهاست. مصری‌ها، هندی‌ها و تعدادی دیگر از کشورها هم باشگاه‌های خودشان را دارند. کاری ندارم که باشگاه ایرانیان دویی - حداقل تا شش سال پیش که من از فعالیت‌اش خبر داشتم - هیچ فعالیت قابل‌توجهی نداشت و بیشتر به چلوکباب‌رستوران معروف بود! این باشگاه که اداره آن لابد هزینه‌ای گزاف دارد، هرگز موفق نشده که به هدف ماموریت خود نائل شود. مجموعه‌ای بسیار مجهز و کامل، اما خالی و مترکه! چرا؟ چون مدیرانش سلیقه شخصی خود را بر ملیت ایرانی ترجیح می‌دادند. ایرانی‌ها دوست دارند مثل جوامع مهاجر دیگر دور هم جمع بشوند، از حال هر خبر بگیرند، جایی‌ا داشته باشند که احساس کنند خانه‌وپناه‌شان در غربت است اما خط‌کش‌گرینش خودی و ناخودی، چنان در این سال‌ها دقیق و برآینده عمل کرده که عملاً بخش بزرگی از جامعه ایرانی مهاجر را نادیده گرفته. اتفاقاً همان بخش نادیده گرفته شده این بار پای میهن ایستادند و دارند هزینه ایستادن کنار میهن‌شان را هم می‌پردازند.

در اینکه سفارت‌های ایران در سراسر جهان در سرعت و کیفیت ارائه خدمات کنسولی کم‌نظیر هستند تردیدی نیست، در اینکه کارکنان سفارت‌های مامثل بقیه مردم ایرانی‌های دیگر را دوست دارند، هم تردیدی نیست؛ آنچه بین ما فاصله انداخته بود، نگاه به‌شدت سیاست‌زده و ایدئولوژیک است که در آن «ایران و ایرانی» که اصل موضوع هستند، فروموش شده بود. نگذاریم دوباره از یاد هم برویم. باید از این فرصت به‌دست‌آمده استفاده کرد و دوباره به روی هم آغوش گنشود. اختلاف‌های‌مان را به‌رسمیت بشناسیم و برای میهن دوش‌به‌دوش کار کنیم.

عکس: خبرگزاری آوش

۱۶ ساعت 24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کریا سچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



تسهیلات برای روزهای سخت

میثم عابدی معاون وزیر ارتباطات می‌گوید که این وزارت خانه تا سقف ۱۰۰ میلیارد تومان به کسب و کارهای اقتصاد دیجیتال آسیب دیده وام می‌دهد



نیلوفر نادری

روزنامه نگار

جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل تمام شد و حالا جنگ کسب‌وکارها برای بقا و جبران خسارت‌هایشان شروع شده است؛ کسب‌وکارهایی که برخی از آنها متعلق به اکوسیستم اقتصاد دیجیتال هستند. اقتصاد دیجیتال، ستون فقرات ارائه خدمات روزمره به مردم است و در جریان این بحران، دچار مشکلات زیادی شده است؛ از تعلیق اجباری نیروهای کار گرفته تا عدم دسترسی به اینترنت پایدار و نبود مشتری. در چنین بحران‌های از قبل پیش‌بینی نشده‌ای، دولت‌ها وظایف حمایتی و جبرانی دارند و تقریباً هیچ نهاد دیگری نیست که توان جبران خسارت‌های ایجادشده برای کسب‌وکارها را داشته باشد. دولت جمهوری اسلامی ایران با توجه به اهمیت که توسعه اقتصاد دیجیتال برای کشور دارد، نسبت به آسیب‌های ایجادشده بی‌تفاوت نمانده است. در بحبوحه جنگی که اتفاق افتاد، سیدستار هاشمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات برای شنیدن مطالبات و مشکلات کسب‌وکارهای اقتصاد دیجیتال از مراکز برخی از آنها بازدید و دسترسی فوری برای رسیدگی معاونانش به بحران‌ها صادر کرد. میثم عابدی، معاون فناوری، نوآوری و امور بین‌الملل وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات نیز در جلسه هجدهم تیرماه شورای معاونان این وزارتخانه به‌طور رسمی از آغاز فرآیند حمایتی به منظور جبران خسارت‌های وارده شده به اکوسیستم اقتصاد دیجیتال کشور خبر داد. او حالا در گفت‌وگو با هم‌میهن جزئیات این طرح را بیان می‌کند؛ طرحی که امیدهای زیادی به آن بسته شده و اگر اصولی و درست انجام شود، شرایط را برای زیست‌بوم و کسب‌وکارهای آن بهتر می‌کند و تاب‌آوری‌شان را بالا می‌برد.

▼ آمار دقیقی از میزان خسارت‌ها نداریم

اقتصاد دیجیتال یکی از حوزه‌های مهم اقتصاد است که توسعه آن می‌تواند منجر به توسعه کشور شود و کسب‌وکارهای فعال در این حوزه، در چندمسال اخیر تلاش‌شان را کرده‌اند تا توسعه پیدا کنند. این در حالی است که بسیاری از آنها یک‌شبه درگیر جنگی شدند که در آن نقشی نداشتند و ترک‌شان از کشور خبر داد. ۱۲ روزه ایران و اسرائیل بر تن پیکر آنها هم اصابت کرد؛ ترکشی که هنوز مشخص نشده چقدر آسیب به‌جا گذاشته است. این شرایط پیچیده و پرجالش باعث شده است که بسیاری از کسب‌وکارها علاوه بر فشارهای مالی، با نگرانی‌های روانی و بی‌ثباتی در بازار مواجه شوند. بنابراین شناسایی دقیق خسارت‌ها و نیازهای این کسب‌وکارها، به‌عنوان قدم اول در فرآیند بازسازی اهمیت ویژه‌ای دارد. میثم عابدی، معاون فناوری، نوآوری و امور بین‌الملل وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در این باره می‌گوید: «میزان آسیب‌ها و خسارتی که به هر یک از کسب‌وکارهای فعال در حوزه اقتصاد دیجیتال کشور وارد شده، هنوز مشخص نیست و تا ثبت مستندات مبتنی بر ضرر و زیان شرکت‌ها در سامانه غزال، نمی‌توان عدد دقیقی ارائه داد. بعد از این مرحله است که ما می‌توانیم آماری از میزان خسارت‌ها ارائه دهیم. در این جنگ بیشتر کسب‌وکارهای این حوزه آسیب دیدند، اما برخی از آنها بیشتر، بنا بر بررسی‌های ما حوزه‌هایی مانند گردشگری، فروش و ارائه خدمات آنلاین و حمل‌ونقل، بیشترین آسیب را دیده‌اند.»

▼ ثبت‌نام کسب‌وکارهای متضرر در سامانه غزال

این اطلاعات به‌واسطه گفت‌وگوی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات با مدیران کسب‌وکارها به دست آمده و این وزارتخانه متوجه حاد بودن وضعیت آنها و لزوم مداخله حمایتی دولت شده است. او با اشاره به این مسئله بیان می‌کند: «در ۱۲ روزه جنگ، بسیاری از کسب‌وکارهای آنلاین با کاهش خدمات روبه‌رو شدند. از یک‌سو، مردم تمایلی به خرج کردن پول‌شان نداشتند و از سوی دیگر، دسترسی به اینترنت پایدار به‌دلیل مسائل امنیتی وجود نداشت. برای جبران آسیب‌های وارده‌شده -چه از حیث فروش محصولات و خدمات، چه از حیث دسترسی پایدار به اینترنت- وزارت ارتباطات و فناوری



اطلاعات تصمیم گرفت در توافق‌نامه‌ای با صندوق نوآوری و شکوفایی ریاست جمهوری به کسب‌وکارهای آسیب‌دیده اقتصاد دیجیتال کمک کند. به همین منظور، سامانه غزال که متعلق به صندوق نوآوری و شکوفایی ریاست جمهوری است، فعال شده و کسب‌وکارها می‌توانند تا اطلاع ثانوی در آن ثبت‌نام کنند.»

▼ **سقفی ۱۰۰ میلیارد تومانی برای هر شرکت**

با وجود اینکه هنوز آمار رسمی‌ای در برآه میزان خسارت وارده‌شده به کسب‌وکارهای اقتصاد دیجیتال کشور وجود ندارد، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، سقفی ۱۰۰ میلیارد تومانی برای کمک به شرکت‌ها در نظر گرفته است. عابدی در این خصوص اظهار می‌کند: «حداکثر میزان کمک در نظر گرفته شده برای هر کسب‌وکار تا سقف ۱۰۰ میلیارد تومان است. البته این بدان معنا نیست که به هر کسب‌وکار همین میزان تسهیلات اعطای می‌شود، بلکه باید ابتدا میزان خسارت هریک از شرکت‌ها را براساس مستندات که ارائه می‌دهند، بررسی و صحت‌سنجی شود. بازپرداخت این تسهیلات نیز به‌صورت یک‌ساله است که شامل سه ماه تنفس و ۹ ماه اقساط با نرخ سود ۱۵/۲۳ درصد می‌شود.»

▼ **شروط دریافت تسهیلات حمایتی**

یکی از پیامدهای جنگ پیش‌آمده، تعدیل بخش زیادی از نیروهای کار بود؛ نیروهایی که بیشتر آنها در کسب‌وکارهای اقتصاد دیجیتال کشور مشغول بودند. کسب‌وکارهایی که برخی از آنها در این دوره فعال و برخی دیگر تعطیل یا نیمه‌فعال بودند. وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات بر همین اساس شروطی برای دریافت تسهیلات این طرح حمایتی گذاشته است؛ شروطی که علاوه بر حفظ نیروی انسانی، به دنبال متعدد کردن کسب‌وکارها برای ادامه فعالیت و جلوگیری از تعطیلی است که خود باعث حفظ ثبات اقتصادی و کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌شود. عابدی در این باره توضیح می‌دهد: «آن دسته از کسب‌وکارهایی که می‌خواهند از این تسهیلات استفاده کنند، باید با ارائه اسناد لازم، مشخص کنند که در روزهای جنگ فعال بوده‌اند و ضمانت دهند که تا پایان بازپرداخت وام، هیچ نیروی انسانی‌ای را تعدیل نکنند. تا امروز بیش از ۱۰۰ کسب‌وکار در این سامانه ثبت‌نام کرده‌اند و ما با این اقدام به دنبال افزایش رفاه مردم و حمایت از کسب‌وکارها هستیم و می‌خواهیم مشکلات حاصل از جنگ تحمیلی را کاهش دهیم. زیست‌بوم اقتصاد دیجیتال برای وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، مهم است و کسب‌وکارهای این حوزه کیفیت زندگی مردم را بالا می‌برند و باعث توسعه اقتصادی کشور می‌شوند. ما بر این باوریم که کسب‌وکارهای اقتصاد دیجیتال در شرایط اضطرار می‌توانند ضمن کمک به افزایش تاب‌آوری جامعه، به رونق اقتصادی کشور نیز کمک و ارائه خدمات به مردم را تسهیل کنند. در نتیجه کنار آنها خواهیم ماند.»

▼ تخصیص هوشمندانه با فرصت‌سوزی دوباره؟

اعلام رسمی این حمایت از سوی دولت، علاوه بر پیام‌روشنی که برای کارآفرین‌ها و فعالان اقتصادی داخل کشور دارد، انگیزه آنها برای بازسازی سریع بحران و افزایش تاب‌آوری زیرساخت‌های اقتصادی ایران را نشان می‌دهد. با وجود این، باید دید این طرح چگونه عملیاتی می‌شود و مبلغ در نظر گرفته‌شده چطور بین کسب‌وکارها تقسیم می‌شود. درواقع موفقیت این طرح، وابسته به اجرای دقیق و بدون تأخیر آن است و اگر صرفاً به تخصیص منابع ختم شود و در مرحله اجرا با پیچیدگی‌های بروکراتیک یا تأخیر همراه شود یا شفافیت لازم را نداشته باشد، نمی‌توان انتظار تأثیرگذاری زیادی را داشت. با این حال، مشارکت بین نهادهای وزارت ارتباطات و صندوق نوآوری و شکوفایی، نشان‌دهانه مثبت از هماهنگی ساختاری برای مواجهه با بحران و احیای زیست‌بوم اقتصاد دیجیتال کشور است. در شرایطی که اعتماد بسیاری از فعالان فناوری به نظام‌های حمایتی تضعیف شده است، چنین اقداماتی می‌تواند گامی در جهت بازسازی اعتماد و افزایش امید به آینده باشد.

درنهایت آینده اقتصاد دیجیتال کشور به عملکرد امروز وابسته است. اگر این طرح به الگویی موفق تبدیل شود، می‌تواند زمینه‌ساز سیاست‌های پایدارتر و گسترده‌تر حمایتی در سال‌های آینده باشد و کشور را در مسیر توسعه فناوریانه و تاب‌آورتر قرار دهد.

یادداشت اختصاصی

به نزدیک من صلح بهتر که جنگ



همایون کاتوزیان

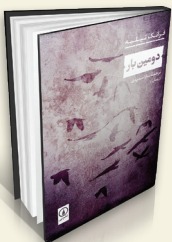
استاد دانشگاه آکسفورد

این گفته شیخ نازنین شیرازی ما در ۸۰۰ سال پیش هنوز هم صادق است. آرامش و امنیت از مهمترین مواهب زندگی است. ببینید که در جنگ اخیر هموطنان ما بیش از هزار کشته دادند و تخریب اموال مردم، چه خصوصی، چه دولتی، چه زبان‌های بزرگی به میهن و ملت ما وارد آوردند. با کمی درایت و هوشمندی این خسارات جانی و ملی اجتناب‌پذیر می‌بود. البته مردم ما بلوغ تحسین برانگیز و بی‌نظیری در دفاع از کیان ملک و ملت نشان دادند اما این هم هست که اجتناب از این قتل و غارت و تخریب غیرممکن نبود. انکارکردن ضربتی که به ملک و ملت وارد شد، از عقل و درایت سیاسی به دور است. باید به مردم راست گفت و آنچه را با گوشت و پوست‌شان احساس کرده‌اند، انکار نکرد. نکته دیگر این است که اگر انقلاب زبان ویژه خود را دارد، سیاست و دیپلماسی هم زبان، رسم و آیین‌شان مشخص است. اگر مذاکرات مستقیم ثمرات بیشتری دارد، باید به حکم سیاست و به‌خاطر منافع مردم مذاکره مستقیم کرد. سیاستمدار مدبر ممکن است به‌خشم درآید ولی آن را با زبان خشم و خشونت ابراز نمی‌کند و چه‌بسا از تفاوت «بتمرگ» و «بنشین» سود سرشاری می‌برد.

من در این گوشه غربت سخت نگران حال و روز میهن و مردمان هستم و از مشاهده بی‌سیاستی‌ها بسیار رنج می‌برم. اگر چه می‌دانم که بدبختانه به قول مارک تواین، نویسنده و شاعر بزرگ آمریکایی: «حقیقت در برابر کسی که مصمم است دروغ را باور کند، بی‌دفاع است.» و دست آخر، آن پیرعزیز دیگر شیراز می‌گوید: «دامن دوست به دست آر و ز دشمن بگسل / مرد یزدان شو و فارغ گذر از اهرمان / با صبا در چمن لاله سحر می‌گفتم / که شهیدان که اند این همه خونین کفنان».

کتابخانه

سفر در دالان‌های حافظه



نام کتاب: دومین بار
مترجم: سارا سیدی
نشر: نی

«دومین بار» عنوان اثری جدید از نشر نی و در ژانر رمان به بازار نشر آمده است. این کتاب دومین رمان از سری رمان‌های جنایی و معمایی فرانک تیلیه است. تیلیه نویسنده و فیلمنامه‌نویس مشهور فرانسوی است که بیش از بیست رمان در کارنامه خود دارد که بسیاری از آنها به زبان‌های مختلف ترجمه شده‌اند. کتاب روایت مواجهه انسان با خاطره، طبیعت و لحظات خاص و بازنگری در آن و کشف معانی جدید است. تیلیه در این رمان به‌پدیده خشونت در هنر می‌پردازد و از زبانی شاعرانه و پرباهام و خاص اما امروزی بهره می‌گیرد. ماجرای رمان با گوشدن دختری جوان و دوچرخه‌ای رهاشده آغاز می‌شود اما درواقع سفری در دالان‌های حافظه، بازشناسی خوشتن و مشاهده‌گری است. ساختار کتاب غیرخطی است و در آن به آثار هنری و ادبی معروف جهان نیز ارجاع و اشاره می‌کند. کتاب دومین بار ۴۷۴ صفحه دارد و با قیمت ۳۸۰ هزار تومان در کتاب‌فروشی‌های معتبر موجود است.

تاریخ

کودتا در عراق و پایان دوران سلطنت

در چنین روزی در سال ۱۹۵۸ یکی از سرنوشت‌سازترین رویدادهای تاریخ معاصر عراق رقم خورد. در این در نتیجه کودتا سلسله هاشمیان که در سال ۱۹۲۱ با رهبری شاه فیصل اول و با حمایت‌های بریتانیا پایه‌گذاری شده بود، به پایان رسید. این کودتا توسط گروهی از افسران ارتش به رهبری ژنرال عبدالکریم قاسم و سرهنگ عبدالسلام عارف سازماندهی و اجرا شد. در این روز نیروهای ارتش، کنترل بغداد را به دست گرفتند و کاخ پادشاهی را به محاصره درآوردند. در جریان این حمله، ملک فیصل دوم، پادشاه جوان عراق، به همراه خانواده‌اش و نوری السعید، نخست‌وزیر قدرتمند و کهنه‌کار، کشته شدند. با پیروزی کودتا، نظام پادشاهی در عراق که از زمان تأسیس آن تحت حمایت بریتانیا بود، فروپاشید و جمهوری عراق اعلام موجودیت کرد. عبدالکریم قاسم به‌عنوان نخست‌وزیر و رهبر کشور، قدرت را در دست گرفت. این تحول، سیاست خارجی عراق را دگرگون ساخت، این کشور را از پیمان بغداد (استنتو) خارج کرد و به بلوک کشورهای غیرمتعهد نزدیک‌تر نمود. این کودتا آغازی بر دهه‌هایی ثباتی سیاسی و نظامی در عراق بود.